

معماری دوره سلجوقیان

سلجوقیان: ساختمان مظهر زیبایی

معماری سلجوقی موقر و نیرومند و دارای ساختاری بغرنج بود. ولی اینهمه نه ناگهانی بودند و نه تصادفی، بلکه تجلی متعالی یک رستاخیز ایرانی بود که در اوایل سده دهم با سامانیان آغاز شد. این رستاخیز در زمان سلجوقیان به اوج خود رسید، چون هرچند ایجاد آثار هنری پس از سده دوازدهم نیز ادامه یافت، الخطاطی مشهود در نیروی خلاق پدیدار گردید. این مساله اغلب وقتی صادق است که نیروی جنبش یک عصر بزرگ به نهایت می رسد و گرایش به ایجاد بناهای تاریخی و کارهای پهلوانی جای خود را به داستانسرایی و یادآوری گذشتگان می دهد.

زمینه فرهنگی

ایران علاوه بر منابع دائمی خود مقدار زیادی از ثروت اقتصادی و معنوی قلمرو و عباسیان برخوردار بود که در اواسط سده هشتم در تحت تسلط ایرانیان در بغداد ایجاد شد. انگیزه های خلاق جامعه های متفاوت و غالباً رقیب، پیوسته حیات فرهنگی و تفکر اسلامی را گسترده و تقویت می کرد و محتوی غنی تر و سرمشقه های تازه تر زیباشناختی و معنوی فراهم می ساخت. مهمترین آنها تناسب سازی و حفظ فرهنگ یونانی بود. علم و حکمت یونانی، از طریق ترجمه های سازمان یافته با سرمایه مامون عباسی (813-833) در ایران شناخته شد. و در آنجا هم درست مانند پیدایش رستاخیز در اروپا، تاثیری قاطع داشت. آثار جالینوس، افلاطون و ارسطو به وسیله همه رهبران فکری ایران با پیگیری مطالعه شد. به علاوه، خلفای عباسی علاقه عمیقی به معارفدر جدی ترین شکل آن داشتند. (اطلبوا العلم ولو بالعین) سفارش پیامبر اسلام بود و بعد از عبادت، کسب معرفت مقدسترین کار تلقی می شد، که حتی برایمان بی دلیل ترجیح داشت.

منصور عباسی (754-75) در تشویق علوم شرکت جست و حمایتش از شعرا و فضلا پیدایش گروههایی برای مباحثات جدی را معمول ساخت. چنین تاسیساتی با علاقه مورد پذیرش قرار گرفت

و راه موثری برای ایجاد و ترویج فرهنگ تازه شد. در سراسر اعصار اولیه اسلامی، با اینکه نبوغ ایرانی برای اداره امپراطوری اسلامی اهمیت اساسی داشت، شخصیت ملی خود ایران سترون و افسرده مانده بود. ولی در اثنای سده دهم ایران، شاعران، حکما، ریاضی دانان، منجمان، طبیعی دانان، مورخان، جغرافیدانان و لغت نویسان برجسته ای پرورد، که اغلب درخشان و بسیاری شان دارای اعتباری بی‌همتا بودند و و همه با اصالت، شجاعت و ظرفیت فرهنگی فراوان، عصر ساسانی علی‌رغم کشمکشهای سخت و طاقت فرسا در ایران، دوران ادب و تمدن بود. بی‌شک در مقام مقایسه، همان عصر در اروپا دوران تاریکی به شمار می‌رفت.

بی‌شک مهمترین عنصر در آغازگری رستاخیز ملی ایران شاهنامه فردوسی بود که در سال 1010 به اتمام رسید. این کتاب که از بزرگترین حماسه های جهان است، بلافاصله به طور دائم در دل‌های مردم راه یافت. از آغاز پیدایش اسلام که ایران آن را با علاقه پذیرفت، هیچ اثر هنری مستقلی را پیش از فردوسی نمی‌توان ذکر کرد. با اینکه عربی جایگزین فارسی شده بود، فردوسی منظومه خود را به شعر فارسی نوشت و به پاکسازی زبان از واژه های خارجی پرداخت و به آن شخصیتی تازه و نیرومند بخشید. او در تمام پنجاه هزار بیت شعرش بیش از نهمصد و هشتاد و چهار عبارت عربی به کار نبرده و بقیه فارسی سره است. او نه تنها بهره‌گیری از زبانی نوسازی شده و با شکوه را احیاء کرد، بلکه کتابش اعتماد و میهن پرستی تازه‌ای پدید آورد. شاهنامه افتخارات گذشته ایران را بیان، سنت های آن را احیاء جشن های ملی را تجدید، احساسات ملی را تریوج و در عین حال آینده اش را پیشگوئی می‌کرد.

در این لحظه حساس از تاریخ ایران رسوم ملی نیروی جنبش چشمگیری یافت. فردوسی از طریق دستاورد خویش ذخایر ایران را به حرکت در آورد. او مقام بزرگترین شاعر ایران را داراست و نه تنها در غنای فرهنگی ملتش سهیم است.

مییل فطریشان به ریاضیات و علوم طبیعی را هم تشویق کرده. به این ترتیب روح استقلال معنوی و خلاقیت در سراسر ایران نفوذ می کرد و دستاوردهای این عصر می توانست کشور را برای از سر گذراندن مصایبی که در راه بود رهبری کند.

فرمانروایان که در میانشان فضلا و شعرای واقعی هم بود، در حمایت از شعرا، هنرمندان و فضلا با هم رقابت می کردند. حامی علم و ادب بودن وظیفه ای شاهانه تلقی می شد و نشانه با ارزش برای احراز مقام و قبول عامه بود.

کتابخانه های عصر گویای داستان فرهنگی با مشارکت وسیع است، که در آن معرفت محترم شمرده می شد. صاحب بن عباد وزیر آل بویه کتابخانه بزرگی داشت با بیش از 200/000 مجله کتاب. هر مسجد یک مجموعه کتاب داشت و قاضیان گردآوری و حفظ آنها را تشویق می کردند. قاضی نیشابور خانه ای را همراه با کتابخانه برای استفاده خاص علمایی که از آن شهر دیدار می کردند، اختصاص داد و حتی هزینه زندگی آنها را هم تأمین می کرد. یکی از معروفترین کتابخانه ها را عضدالدوله گرد آورد. و در بنای خاصی در شیراز جای داد. تالار طاق ضربی بزرگی به اطاق های متعدد باز می شد که در آنها کتاب ها را در صندوق های مخصوصی نگهداری می کردند. فهرست منظمی برای آنها تنظیم شده بود. البته بقیه جهان اسلام هم در علاقه ایران به کسب معرفت سهیم بود، مثلاً ابن ندیم بغدادی از همه کتابهای شناخته شده در آن عصر اعم از اسلامی و غیر اسلامی، فهرست مفصلی تالیف کرد. این کتابخانه ها مورد استفاده وسیع و عاقلانه ای قرار می گرفت، درهای اغلبشان به روی همه استفاده کنندگان باز بود و تسهیلات - از جمله اعتباراتی برای قلم و کاغذ - تأمین می شد.

از این اوضاع و احوال یک عده، فضلا، علماء، طراحان و هنرمندان پدید آمدند که در بسیاری زمینه ها به کامیابی های مهمی دست یافتند. در هر دو عصر آل بویه و سلجوقی برخی از بهترین

منسوجاتی بافته شد که تا کنون به دست آمده است. طرحهایی قوی و سنگین، با اصالت و برازندگی و تجسم نمایان و در عین حال فنون بافندگی بی همتا.

متخصصانی که سفالگری این عصر و بیشتر کارهای نیشابور و سمرقند را دیده اند آنها را ظریف ترین آثاری می دانند که تا کنون شناخته شده است. نیمه دوم سده نهم شاهد ظهور عده ای از دایره المعارف ها و تاریخهای عمومی، لغت نویسان و نحوایانی بود که به طور جدی برای تکمیل زبان به عنوان وسیله موثر صراحت و ارتباط کار می کردند و بر رونق عصر جدید طلوع معرفت می افزودند.

هر یک از شاغل علمی موجب پیدایش متفکران بزرگی شده که بسیاری شان در رشته های مختلف سرآمد بودند. رازی (ح 850-923) پزشک نامدار، چیزی فراتر از بزرگترین پزشک بالینی اسلام بود و در عین حال شیمی دان و فیزیک دانی بود که تاثیرش در سراسر جهان اسلام منتشر شد و در عصر رستاخیز در اروپا نمایان گشت. لایق ترین همکاران او ایرانی بودند. یکی از آنان به نام دینوری در عین حال لغت نامه نویس، مورخ، گیاهشناس و منجم بود.

در سده دهم، طبری (838-923) مولف تاریخ موسیقی ده جلدی¹ که حاوی اطلاعات تاریخی و حتی باستان شناسی با ارزشی است، یک زیچ، صورالکواکب و برخی ابزارهای نجومی ابتکاری را به وجود آورد. حکما و مورخان کم آوازه تری هم بودند که البته آثارشان در سطح والایی قرار داشت. ریاضیات و نجوم سخت تشویق می شد و در یک دایره المعارف ایرانی مربوط به سال (976) به نام مفاتیح العلوم به خوبی تلخیص شده بود و علمایی در رشته های مختلف شرحهای مشترکی تحت عنوان رساله های اخوان الصفا منتشر می کرد. در نیمه اول سده یازدهم فعالیت فکری به نقطه اوج خود رسید. در میان فضایی این عصر دو تن از بزرگترین دانشمندان جهان بودند که به این عصر

¹. باید در چاپ یا فهم مطلب اشتباهی رخ داده باشد. به چنین کتابی از طبری برنخورده ام. مترجم

یک برجستگی جهانی بخشیدند این دو عبارت بودند از ابن سینا (980-1037) و بیرونی (مستوفی 1048).

شاید از این دو ابن سینا بزرگتر باشد- دارای آثار بیشتر، فراگیرتر، درخشان‌تر، جامع‌تر شخصیتی سازمان دهنده و خستگی ناپذیر بود. او ریاضیدان، منجم و شاعری مادرزاد بود که در زمینه فیزیک کارهای درخشانی کرد. و از نخستین شخصیتهای برجسته جهان در زمینه پزشکی و رشته وابسته آن داروشناسی بود. او در مقام یک مرجع استناد پزشکی در سراسر اروپا سخت مورد احترام قرار گرفت و کتابهای پزشکی اش تا سده هفدهم در اکسفورد و مون پلید متنهای پایه بود.

در نیمه دوم سده یازدهم عمرخیام شاعر محبوب می زیست که در عین حال فیلسوفی اصیل و ریاضیدانی بزرگ بود. او یازده نوع مختلف از معادلات در جد سوم را تشخیص داد. در سال 1074 تقویم تازه ای تنظیم کرد. با اینهمه هنوز به عنوان یک جبران برجسته شناخته می شود. یک شخصیت کاملاً متفاوت دیگر که بر همان عصر تاثیر گذاشت، (غزالی 1038-1111) بود که دارای قدرتی معنوی، احساساتی عمیق و ایثار محض بود. او در شاعری، حکمت و فقه شهرت داشت ولی بنا به عرف زمان اطلاعات مفیدی در برخی از علوم بدست آورد. و رسالاتی در باب اختر شماری و اصول اساسی نجوم نوشت. سلجوقیان که طایفه ای ترک و ایرانی بودند، به این تمدن بسیار پیشرفته وارد شدند و رهبران‌شان با فرهنگ ایرانی، که به دست سامانیان و غزنویان در آسیای میانه ایجاد شده بود، تا حدی آشنایی داشتند. آنان می باید تا حدی تحت تاثیر شکوه و عظمت غزنوی قرار گرفته باشند، ولی روش زندگی سخت گیرانه‌شان و تاثیر سازنده دشتهای زادگاهشان در آسیای میانه آنان را به شیوه‌ای نیرومندتر و کم بضاعت تر معتقد ساخته بود.

سلجوقیان به رهبری طغرل بیک (1031-63) در جنگ های متعدد سالهای (1037-51) ایران را گشودند. بقایای دولت آل بویه را بر انداختند. و سلسله سلطنتی مهمی تاسیس کردند که در تاریخ کمتر نظیری داشت.



ProjectCenter

www.ProjectCenter.ir

📷 | @projehcenter

📍 | @projehcenter_ir